



# عکاسی



دکتر هادی شفایه

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

## سخنی کوتاه با خوانندگان

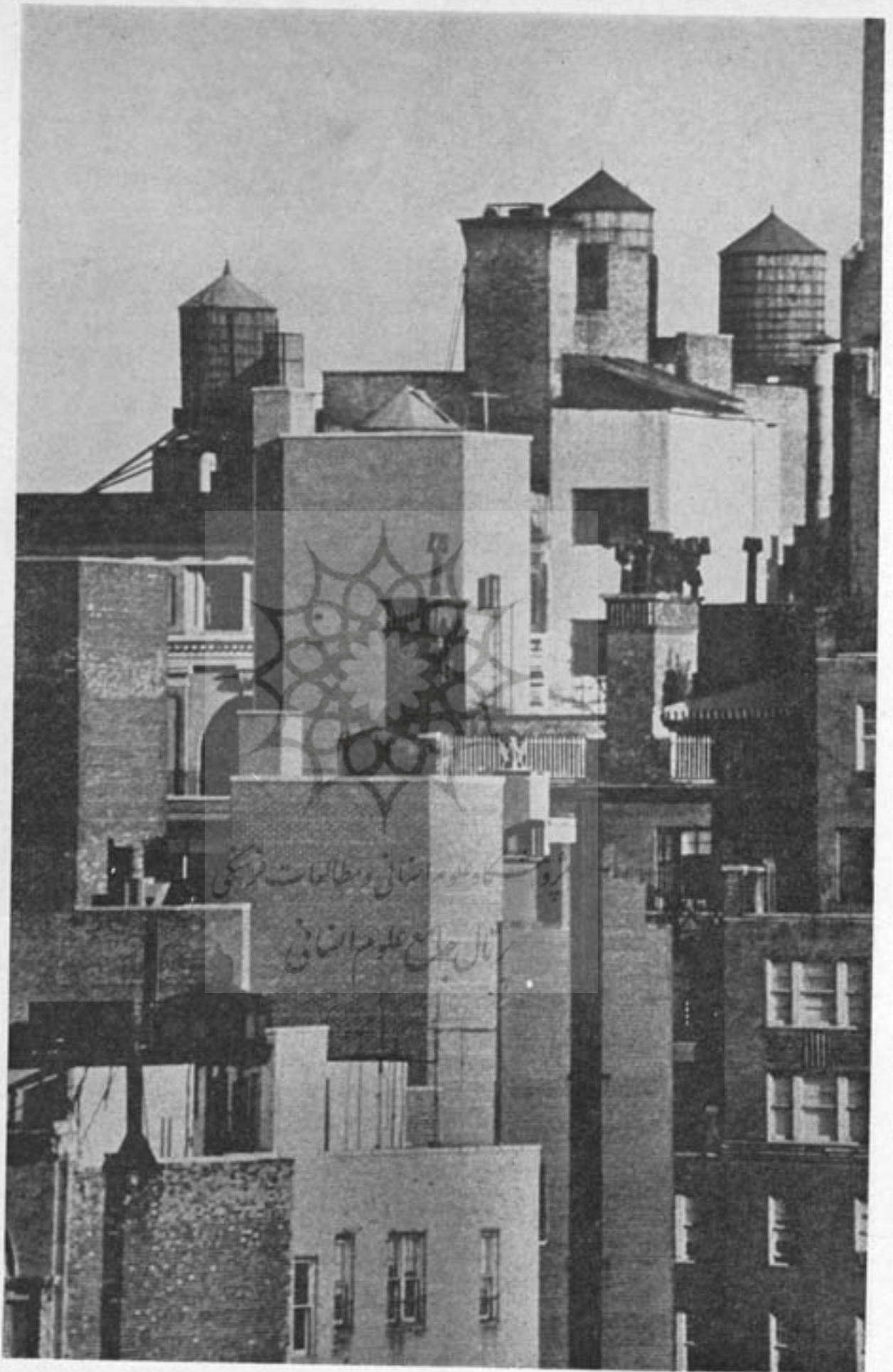
تمام فعالیت‌های هنری خود بازماندم - درخواستن مقاله هرچه اصرار بیشتری کردند من قدرت کمتری برای نوشتن درخواست احساس نمودم .

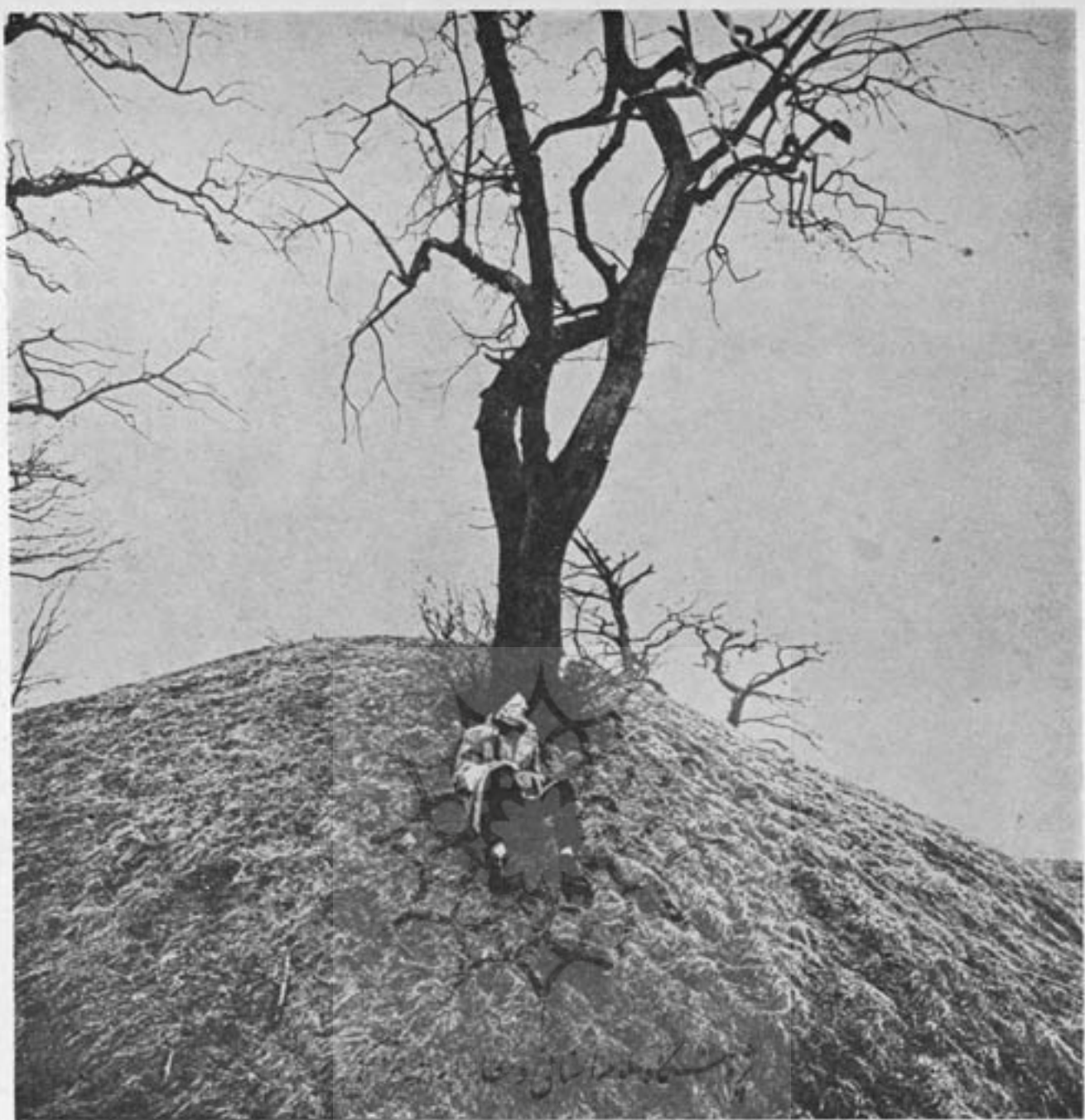
اینک که پس از مداوای طولانی اندک‌اندک خود را رها از چنگ کسالت احساس میکنم ، لازم میدانم در اینجا از همه‌ی دوستان شناخته و ناشناخته که در اینمدت کتباً و شفاهاً مرا مورد محبت‌های خود قرار داده و بیایی ادامه‌ی مقالات را خواستار میشدند تشکر کنم .

بالاخره ، در اینموقع که پس از گذشت ماهها رشته‌ی

پس از پایان مقالات دنیا‌لدار عکاسی در شماره‌ی ۶۶ وعده دادم که از آن پس خواهم کوشیدم مطالب علمی ، فنی و هنری عمیق‌تر و سنگین‌تری در اختیار خوانندگان گرامسی بگذارم تا بتواند آنان را در راهیکه قدم گذاشته‌اند پیش و بیشتر ببرد .

اما ، از آن پس فقط در یک شماره توانستم باین وعده‌ی خود عمل کنم و سپس دچار چنان خستگی و کسالت شدم که متأسفانه نه تنها هرچه کوشیدم قلم بر روی کاغذ بگذارم و مطلبی ادا کنم بدان قادر نگردیدم بلکه در اینمدت تقریباً از





رتال جامع علوم انسانی

۱ - اکثر اشیاء در طبیعت از قبیل گیاهان ، شاخه‌هایی که برگشان ریخته ، نی‌ها ، تراورس‌های راه‌آهن، داربست‌های فلزی و غیره ... بشکل خطوط به نظر ما می‌رسد . همه‌ی این‌ها بر حسب نزدیکی و دوری‌شان بشکل طرح‌هایی کم‌و بیش واضح تظاهر میکنند .

۲ - بسیاری از سطوح نیز ، که اساساً مسطح هستند شکل خط دارند . مانند اثر اسکی روی برف ، جای چرخ‌های عرابه و در شبکه و گاری بر روی جاده‌ها ، تریانات و کنگره‌های اینیه، بندهای دیوار، شیار گاو آهن در مزارع و نظایر آنها ...

۳ - وقتی شیئی را مورد دقت قرار میدهیم نگاه ما

گسسته‌ی رابطه‌ی خود را با خوانندگان گرام می‌زنم از خداوند متعال خواهانم که در ادامه‌ی خدماتم مرا یاری فرمایند.

نقش خطوط در کمپوزسیون تصاویر

گرچه در تصاویر عکاسی ، سطوح سیاه و خاکستری وسیله بسیار مهمی برای ایجاد و آفرینش است معه‌ذا هیچ تصویری بی شرکت خطوط نمیتواند ارزشی کسب کند . از ایشرو جالب است که اساس و وجود آنها را در طبیعت مورد بررسی و دقت قرار دهیم :

دیگر از داشتن چنین قدرتی به دورند . معمولاً تصاویر همی قدرت و موجودیت خود را مدیون بارزترین خطوطند که گاهی با طول ، گاهی با قدرت و قوت و گاهی با تعداد خود به مؤثرترین شکل در کمپوزسیون آنها شرکت میکنند . خطوط ضعیف ، کوتاه ، محو ، درهم و برهم بخودی خود کم و بیش اهمیت خود را از دست داده هیچ جلب توجه نمیکنند . لازم است اضافه کرد که «زاویه و نقطه‌ی دید» اکثراً وسیله‌ی برای اصلاح قدرت خطوط میباشد . مثلاً اگر عکسی را در حال ایستاده بگیریم دید مجموعه وسیعتر خواهد بود ، لبها و کناره‌های اشیاء و اجسام بیشتر بنظر خواهد رسید . در حالیکه اگر در همانجا چمباتمه بزیم پلان اول قسمت عمده‌ی تصویر را اشغال خواهد کرد ، تعداد خطوط کمتر و خود آنها ضعیفتر خواهد شد و پلان دوم تقریباً در پشت آنها پنهان خواهد گردید . گاهی یکقدم به‌طرف راست و یا چپ برداشتن نیز میتواند تأثیر مهمی داشته باشد . بطور کلی ، این امر را که بظاهر بسیار جزئی و بی‌اهمیت

روی خطی که تصور ما بی‌اراده برای جدا کردن آن شیء از زمینه ، ایجاد می‌نماید توقف میکند . در حالیکه چنین خطی اصلاً وجود خارجی ندارد . هر قدر بین شیء مزبور و اطراف وزمینه‌ی آن تضاد و کنتراست بیشتری باشد عمل جدا شدن و مشخص گشتن واضح‌تر خواهد بود . احساس دید عبارت از تشخیص فرم‌ها و شکل‌ها ، تعیین نیمرخ‌ها و مقطع‌ها ، تجزیه و تفکیک بصری اشیاء و اجسام و بالاخره تحدید حدود میان آنها میباشد . اما از آنجا که حصول هیچیک از اینها جز بوسیله‌ی خطوط تصویری و خیالی امکان‌پذیر نیست لذا ملاحظه‌ی آنها بیش از آنچه ارادی و اختیاری باشد اجباری و آمرانه خواهد بود .

ع - بالاخره ، در محل تلاقی و حدفاصل تاریک - روشن و یارنگهای متضاد به تعداد تضادها خطوطی در نظر مجسم میگردد .

با توجه با آنچه گفته شد ، در تهیه‌ی عکس‌ها ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ی خطها را نباید فراموش کرد زیرا عوامل



است نباید سرسری گرفت و در آن کوتاهی کرد. با حوصله‌ی فراوان و بدون کوچکترین خستگی تا حصول نتیجه‌ی مطلوب لازم است جستجو را ادامه داد تا از حداکثر قدرت بیان خطوط استفاده شود. به کمک همین خط‌هاست که تقویت یا تضعیف، مشخص کردن و یا حذف بعضی آثار و افه Effet های ترکیب و کمپوزسیون در تصاویر امکان‌پذیر میگردد. بطور قطعی و مسلم تنها با همین «امکان» در ایجاد و آفرینش «زبان خطوط» میتوان توفیق یافت و افاده و بیان ترکیب تصاویر را، آنچنانکه باید و شاید، تغییر داد. با مطالعه‌ی مطالب بعدی میتوان دریافت که «خطوط» مختلف چه نقشی در کمپوزسیون عکس‌ها بازی میکند و چه نتایجی از آنها بدست‌می‌آید. اما لازم به تذکر و یادآوری است که همه‌ی این‌ها همیشه قابل انطباق و اجرا نمی‌باشد، زیرا وضع هر تصویر با ساختمان، ترکیب، ترتیب و نظام آن مشخص و معین نمیگردد، بلکه شرایط عمومی و مجموعه‌ی آن کلا در نظر گرفته میشود.

#### خط افقی

پی و پایه هر جسی که بر روی زمین قرار دارد و محکم و استوار برجای ایستاده معمولاً به خط افقی به نظر میرسد. هیچ دیده نشده که خانه و درخت و انسانی در فضا شناور بوده و محل اتکالی در روی زمین نداشته باشد. از آنجا که تعریف و خاصیت یک تصویر عبارت از بیان و بازگویی حقیقت است با تمام قدرت، لذا وقتی در برابر عکسی قرار میگیریم انتظار داریم همه‌ی آنچه را که بر ایمان عمومیت دارد در آن بازیابیم. به عبارت دیگر میخواهیم تا «عمق موضوع» بر ایمان روشن و معلوم باشد و اجسام در روی تکیه‌گاهشان، چنانکه باید و شاید، در امنیت بنظر برسند. اگر در تصویر یک منظره لبه‌ی پائین عکس درختان و خانه‌ها را، یکی دو متر بالاتر از سطح زمین قطع کرده باشد دیگر تکیه‌گاه آنها دیده نخواهد شد و بدین ترتیب مهمترین نقطه‌ی عطف در این تصویر از بین خواهد یافت و به همین علت تماشاگر احساس نوعی ناراحتی خواهد کرد زیرا او میخواهد قدرتی را که نگهدارنده‌ی پی و پایه‌ی درخت و خانه است ببیند. در تصاویری که موضوع با آنچه او را احاطه کرده ربط و اتصالی نداشته و با چند چیزی مورد مقایسه قرار نگیرد از نقطه‌ی اتکاء فوق میتوان سرفنظر کرد. مانند تک‌چهره (پرتره) و یا تصاویری که از فاصله‌ی نزدیک از حیوانات و نباتات گرفته‌شده باشد و در آنها جزئیات (از قبیل صورت، حالت، زیبایی فرم‌ها و غیره...)، خصوصیات و خطوط اصلی موضوع - بدون اینکه با اطراف و جوانب در مقام مقابله و مقایسه قرار گیرد - بیان شده و





۶

این اصول بعنوان معیار و مقیاس برای قضاوت در مورد خط راست افقی ارزش یافته و آنرا نشانه و نماینده آرامش بدانند. اما وقتی تصویری دارای چندین خط افقی باشد، از این آرامش، سنگینی و یکنواختی احساس می‌گردد و هنگامیکه این خطوط در قسمت بالای تصویر جمع شده باشد سنگینی فوق‌العاده‌ی بدان خواهد بخشید.

از آنجا که خط افقی وسیله‌ی خوبی است برای بهتر نمایندن دورها و گسترش‌ها لذا اکثراً برای پرسپکتیو مناظر از آن استفاده میشود؛ مانند مناظر دریایی، بشرطی که خط افقی بوسیله‌ی کشتی‌ها، چراغهای دریایی و یا چیزهای دیگر درپلان اول قطع و محدود نشده باشد. در چنین تصاویری بدون اینکه نگاه از خط و حد فاصل آسمان و دریا احساس ناراحتی کند بی اراده تا آنسوی لبه‌های تصویر راه می‌یابد و بدینگونه عمقی نامحدود بوجود می‌آید. این موضوع در مورد مناظر مسطحی که هیچگونه مانع قابل ملاحظه‌ی در

خود دارای اهمیت و ارزش اصلی و اساسی باشد. همهی این قبیل تصاویر (پلان درشت Gros Plan یا Close-up) بخودی‌خود گویا هستند و احتیاجی به کمک ندارند. برعکس، وقتی موضوع با اطراف خود ارتباطی داشته باشد مسلم است که «پایه‌ی اشیاء و اجسام» نیز باید در تصویر وجود داشته باشد و دیده شود. بدینوسیله امکان مقایسه و درك تناسبات و اندازه‌ها، توجیه صحنه، نشان دادن چند میزان و مقیاس مقدور و میسر خواهد شد.

یکی دیگر از اعمال خط افقی دخالت در طرز بیان و ایضاح محیط است. این خطوط ذاتاً آرامی‌بخش بوده کمتر چشم می‌خورند و فعالیت زیادی از آنها احساس نمیشود. تجربه‌ی ما نشان داده که آنچه در طبیعت خسته، بی‌انرژی، مریض و ضعیف است سعی دارد روی زمین دراز بکشد. همچنین چیزیکه بی‌حرکت است به علت نداشتن پشتی‌بان و تکیه‌گاه کافی می‌افتد. بنابراین، يك امر طبیعی است اگر



۷

افقی در تمام درازای خود لزومی ندارد حتما افقی باشد ، بلکه در یکی از دو انتها میتواند بطور مایل امتداد پیدا کند که در اینصورت اثر و نتیجه‌ی آن خیلی اختلاف خواهد داشت و کمپوزسیون لطافت و ظرافت تازمینی خواهد یافت .

به بحث در مورد جزئیات امر ، در چهارچوب این مقال احتیاجی نیست . فقط کافی است بدانیم که انواع زیاد و گوناگون آن هر یک تأثیری متفاوت در کمپوزسیون تصاویر دارد .

(در شماره‌ی آینده از خطوط مایل و عمود سخن خواهیم گفت .)

آنها از گسترش افق جلوگیری نمیکند نیز مطابق است ، آنچه از چنین تصاویری احساس میشود جز عمق ، عظمت ، فراخی و بی‌انتهایی چیز دیگری نیست . اما وقتی که چیزی از قبیل ردیف درختان و ساختمان و غیره در پلان دور با شدت و خشونت در لبه‌ی تصویر سد راه خط افق میگردد وضع دگرگون میشود و این نقطه برای تماشاگر پایان افق را اعلام میدارد . اگر چنین صحنه‌ی از دو بعدی تصویر شکل گرفته و بطرف مرکز آن نزدیک گردد به نسبتی که خط افق کوتاه‌تر شود احساس تنگی و فشردگی پرسپکتیو نیز قوی‌تر خواهد گردید .

در پایان این مطالب لازم بیادآوری است که یک خط